

ولادت امام رضا (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



عطر میلاد :

آن روز که نسیم نور زمین را از عطر میلاد تو آکند و فرشتگان بال در بال مقدم منورت را گلباران کردند. آسمان آیینه بندگان عشق بود و زمین زیر چتر خورشیدی در انتظار به آغوش کشیدن مردی از تبار محمد (صلی الله علیه و آله) بی قرار و پرتپش شده بود. آن روز تاریخی، مدینه مّوّاج از شفافی عشق بود و سرانجام آسمان نور افشانی شد. لحظه ها بر قدوم تو سجده گذاشتند. و ثانیه ها عطشناک تا اوج آسمان فواره کشیدند. میلاد خجسته حجت حق، حضرت امام رضا (علیه السلام) بر همه رهروان راستین آن امام مبارک باد.

تولّد :

ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت است. بنابر نقل های تاریخی سال تولد آن امام همام 148 ق است و چنان که مشهور است روز میلاد وی یازدهم ذیقعد می باشد. کنیه حضرت «[ابوالحسن](#)» است و چون حضرت امیر (علیه السلام) «ابوالحسن» خوانده می شود، حضرت رضا (علیه السلام) به ابوالحسن ثانی معروف شده است مشهورترین لقب های وی «[رضا](#)» است. (1)

پدر و مادر :

امام رضا (علیه السلام) همچون بقیه امامان معصوم علیهم السلام دارای پدری صالح و بزرگوار هستند و در

دامن بهترین مادران زمان خود پرورش پیدا کردند. پدر آن حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) و مادر ایشان «نجمه» است. (2)

خلفای معاصر حضرت :

طبق نقل مورخان، مدت امامت حضرت امام رضا بیست سال بوده که ده سال آن معاصر با خلافت هارون الرشید، پنج سال معاصر با خلافت محمدامین و پنج سال آخر نیز هم عصر با خلافت عبدالله المأمون بود. امام تا آغاز خلافت مأمون در زادگاه خود در شهر مقدس مدینه اقامت داشت ولی مأمون پس از رسیدن به حکومت، حضرت را به خراسان فرا خواند و آن حضرت سال های پایان عمر خویش را در خراسان سپری کردند. (3)

امام در عصر هارون الرشید :

اگرچه در زمان هارون الرشید اختناق و استبداد حاکم بود با این حال دوران آزادی نسبی و فعالیت های فرهنگی و علمی امام رضا (علیه السلام) به شمار می رود؛ زیرا در این مدّت (ده سال) هارون به صورت آشکار متعرض امام نشد و امام موفق به ترتیب شاگردانی در علوم و معارف اسلامی گردید. شاید عدم تعرض هارون به سبب نگرانی وی از تکرار عواقب قتل امام موسی بن جعفر بوده است؛ چراکه وی سعی داشت خود را از این جنایت تبرئه کند و از آن جا که امام از این سیاست آگاه بودند بی باکانه افشاگری می کردند و مردم را می آگاهانیدند. (4)

امام در عصر امین :

امین و مأمون فرزندان هارون الرشید ولی از دو مادر بودند. هارون در زمان خلافت خود از مردم برای امین به عنوان ولی عهد خود بیعت گرفت و مأمون را نیز ولی عهد دوم قرار داد. در دوران حکومت امین و سال هایی که بین مرگ هارون و حکومت مأمون گذشت، برخوردی میان امام و مأموران حکومت عباسی در تاریخ به چشم نمی خورد و پیداست که دستگاه خلافت بنی عباس در این سال های کوتاه که گرفتار اختلاف داخلی و مناقشات امین و مأمون و خلع مأمون از ولایت عهدی و واگذاری آن به موسی فرزند امین بود، فرصت کمتری برای اذیت و آزار علویان و خصوصاً امام رضا (علیه السلام) یافت و ما می توانیم این سال ها (193 - 198) را ایام فعالیت نسبی امام و فرصت مناسبی برای فعالیت های فرهنگی آن حضرت بدانیم. (5)

امام در عصر مأمون :

با شروع خلافت مأمون فصلی تازه در زندگانی امام رضا (علیه السلام) آغاز می شود؛ سال هایی که با اندوه و ناملایمات بسیار برای آن امام همراه بود. مأمون به تشییع اظهار علاقه می کرد و گردانندگان دستگاه خلافتش هم غالباً ایرانیانی بودند که نسبت به آل علی و امامان شیعه علاقه و محبتی خاص داشتند. لذا نمی توانست همچون پدران ظالم خود هارون و منصور امام را به زندان بیفکند و مورد شکنجه و آزار قرار دهد. از این رو چاره تازه ای اندیشید و امام را به مرو آورد تا با طرح دوستی منافقانه با آن حضرت، افزون بر استفاده از موقعیت علمی و اجتماعی ایشان، فعالیت های حضرت را زیر نظر بگیرد و نیز با برپایی مناظره های علمی مختلف سعی داشت شخصیت محبوب علمی و موقعیت والای اجتماعی حضرت را بی رنگ سازد که در هر بار جز رسوایی طرفی نبست. (6)

توسل به امام :

خداوندا، درود بی حدّ و سلام بی حصر خود را بر مولایم علی بن موسی الرضا فرست؛ کسی که برای عدالت قیام کرد و مردم را به سوی تو می خواند؛ همو که دارای صفاتی نیکو بود و پیشوای نیکوان شد. پاک سیرتی که حجت و خلیفه تو در میان مردم بود. خدایا، به مدد محبت و عشق به این بزرگوار به تو تقرب می جویم. از دشمنانش بیزارم و دوست محبّان ایشانم. پس ای خدا، به سبب ایشان خیر دنیا و آخرت را به ما روزی فرما و شرّ دنیا و آخرت و هراس رستاخیز را از ما دور گردان.

شوق پرواز :

امروز از فراز گلدسته های طلایی ات به آسمان می رسیم و بر ایوان مهربانت سفره های تضرع می گسترانیم. دست های پر التماس، تو را می خواند و تو چشم های مشتاق را می شناسی و هنوز نگاه عاشقانه به وسعت تاریخ آمدنت؛ پر از طراوت مانده است دوباره یازده ذیقعه است و به یمن میلاد سبزه رواق چشم ما به اشک شوق مزین شده است امشب از حرم تو که دری به بهشت خدا دارد، شوق پرواز دارم. امشب دیدار بوسه های پیشانی بر ضریح تو تماشایی است. و ببین شیفتگان چگونه در رواق های نور شب را به صبح می رسانند و پر شوق تو را می خوانند که تو تا ابد در قلب ها، پر تپش می تپی.

ورود حضرت رضا (علیه السلام) به قم :

وقتی که حضرت رضابه دستور مأمون ناگزیر به ترک مدینه شده، به سوی خراسان حرکت کردند، از راه بصره به بغداد و از آن جا به سوی قم روانه شدند. اهالی قم استقبال باشکوهی ازایشان کردند. بسیاری آن حضرت رابه منزل خود دعوت کردند، اما حضرت فرمودند: «شتر من هر جا توقف کرد همان جا می روم» سرانجام شتر حضرت به در خانه مرد صالحی توقف کرد که شب در خواب دیده بود امام هشتم مهمان او شده اند اکنون آن خانه به نام مدرسه «رضویّه» در خیابان آذر قم معروف است. (8)

جدایی چرا؟

یکی از یاران حضرت می گوید: باحضرت در سفر خراسان همراه بودم. یک روز آن حضرت را به رسم مهمانی بر طعامی فرا خواندند. او تمام خدمت کاران خود را ازسیاه و سفید گرد آن سفره گسترده جمع کرد. به امام نزدیک شدم و گفتم: فدایت شوم بهتر بود سفره آنها را جدا می فرمودید. در پاسخ فرمودند: «این سخن را مگو. همانا خدای تبارک و تعالی که خدای همه ماست یکی است. همه از یک مادریم و آدم ابوالبشر پدر مشترک همه ماست و کیفر و پاداش هم به اعمال تعلّق خواهد گرفت. بنابراین جدایی چرا؟» (9)

دانش بی کران:

دانشمندان معاصر با حضرت رضا (علیه السلام) بر فراوانی دانش و بینش وی و نیرومندی اش در استدلال و برتری جنابش در گفت و گوها و مناظرات علمی گواهی داده اند؛ تا جایی که محمدبن عیسی یقطینی اظهار داشت: «وقتی مردم، در مسئله امامت امام رضا (علیه السلام) اختلاف پیدا کردند من که مسئول جمع آوری پرسش های مردم و پاسخ های آن حضرت بودم، پانزده هزار مسئله گرد آوردم که از حضرت سؤال شده بود و وی به تک تک آنها پاسخ فرموده بودند». (10)

ترسیم بهشت زمینی :

در دین مقدس اسلام بر حفظ حقوق برادران دینی و تکریم شخصیت و مقام آنان سفارش بسیار شده است. ائمه ما در توصیه های اخلاقی خویش بر این مسئله تأکید کرده اند؛ از جمله امام رضا (علیه السلام) در این باره می فرمایند: «از حقوقی که هر مؤمن نسبت به برادر دینی خود دارد این است که از صمیم قلب او را دوست بدارد و از نظر مالی به او کمک و مواسات نماید و اگر کسی به او ظلم کرد او رایاری کند... شخص با ایمان هرگز به برادر دینی خود ستم نمی کند، او را فریب نمی دهد، به او خیانت نمی کند، غیبت او را روا نمی دارد، به او دروغ نمی گوید. کسی که به برادر دینی خود لباسی هدیه دهد خداوند از لباس های بهشتی به او خواهد داد و کسی که برای رضای خدا به آنها قرض بدهد در پیشگاه خدا ثواب صدقه خواهد داشت. هرکسی اندوه برادر دینی خود را برطرف سازد خداوند غمی از غم های آخرتش را خواهد زدود». (11)

کرامات حضرت :

شیخ طبرسی می گوید: «آنچه مردم پس از شهادت وی تا زمان ما از برکت مشهد مقدس آن حضرت و علامات و عجائبی که مشاهده کرده اند و موافق و مخالف بدان تصدیق نمودند از حد شمارش خارج است. در این مشهد مقدس کور مادر زاد و دیگر مریضان شفا یافتند و دعاها مستجاب و حاجت ها برآورده شده که بسیاری از اینها را خود مشاهده کردیم و نسبت به آن علم یقینی که شک در آن راه نیابد پیدا نمودیم». شیخ حر عاملی هم می گوید: «من هم مثل شیخ طبرسی بسیاری از این معجزه ها را مشاهده کردم و یقین برای من حاصل شد، همان گونه که برای او یقین حاصل شده بود و در مدت مجاورت من در مشهد مقدس که 26 سال می شود دراین خصوص چیزهایی شنیدم که از شمارش گذشته و در خاطر ندارم». (12)

بوسیدن ضریح :

قرآن مجید ساختن مسجد و بنای بارگاه را بر مزار مردان خدا جائز دانسته است و شاهد آن ساختن مسجد بر سر قبر اصحاب کهف است و نیز در قرآن می خوانیم که حضرت یعقوب پیراهن یوسف رابه چشم نابینای خود مالید و دیدگانش شفا یافت. گرچه پیراهن چیزی جز پارچه نیست اما چون مدتی ملازم و همنشین بدن مطهر یوسف (علیه السلام) بود. دارای این اثر شفا بخش شده بود.

چون که گل رفت و گلستان شد خراب	بوی گل را از که جوییم از گلاب
--------------------------------	-------------------------------

پیامبر اکرم هنگامی که در سرزمین منا سر مبارک خود را به قصد تقصیر پس از فریضه حج می تراشیدند اصحاب،

موی حضرت را برای تبرّک می بردند. پس بوسیدن ضریح ائمه فقط و فقط از سر احترام نهادن به حجت خدا و امام معصوم است. همان گونه که مسلمانان جلد قرآن کریم را، چون کلام خدا روی آن نوشته شده واز مجاورت قرآن و کلماتش قداستی خاص پیدا کرده است می بوسند. اینک، عاشقان و دوستان اهل بیت علیهم السلام وقتی به زیارت مولایشان امام رضا می روند گرد ضریح حضرتش پروانه وار می چرخند و از آن بوسه ها برمی دارند و دست تبرّک بدان می کشند. (13)

مقام امام در کلام امام رضا (علیه السلام) :

آنچه سبب محبت و عشق و اطاعت می شود معرفت و شناخت مقام محبوب و معشوق است. به همین دلیل است که گفته اند:

گر معرفت دهندت بفروش کیمیا را گر کیمیا دهندت بی معرفت گدایی
آنچه شیفتگان ائمه را حیران خود کرده آشنایی با مقام والا و ملکوتی آنهاست و این که درس معرفت و امام شناسی را از امام رضا (علیه السلام) آموخته اند که فرمودند: «امامت منزلتش والاتر، شأنش بزرگ تر، مقامش عالی تر، مرتبه اش بلندتر و ژرفایش عمیق تر از آن است که عقل ها به آن برسد و اندیشه ها آن را دریابند. امام همانند خورشید فروزانی است که خود در کرانه افق و دور از دست رس و چشم انداز است. و نورش سراسر هستی را فرا گرفته است. امام همان ماه تابان چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره رهنما در ظلمت شب ها برای رهگذر شهرها و کویرها و گرداب بر تلاطم دریاهاست». (14)

جلسات مناظره :

مأمون با دعوت از صاحب نظران و دانشمندان مذاهب و فرقه های مختلف، جلسات مناظره تشکیل داد تا شاید بتواند چهره مقدس امام (علیه السلام) را خدشه دار کرده، باعث کاهش محبوبیت حضرت در جامعه شود. امام (علیه السلام) با هر یک از دانشمندان، با زبان خود و از کتاب خود آنان، بر بطلان نظریه آنها و حقانیت اسلام و صداقت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) استدلال نمود. تا آنان که همگان در برابر حضرت سر تعظیم فرو آورده، بر بطلان نظریه خویش و صحت سخنان امام رضا (علیه السلام) اعتراف نمودند و بعضی همانند عمران صائبی که مشرک و در علم کلام و فنّ خطابه متبحّر و متخصص بود به حقانیت اسلام اعتراف می کردند و در همان مجلس اسلام می آوردند. (15)

حاجتروا :

در کتاب عیون اخبار الرضا آمده است: مردی از اهالی بلخ همراه غلام خود به زیارت مرقد شریف حضرت رضا به مشهد آمدند. هر دو مشغول نماز شدند و بعد از نماز به سجده رفتند و سجده را طول دادند. مرد بلخی قبل از غلامش سر از سجده برداشت و غلام خود را به حضور طلبید غلام بی درنگ سر از سجده برداشت و به حضور او آمد.

مرد بلخی گفت: آزادت کردم و فلان کنیز را آزاد کردم و به ازدواج تو در آوردم و خودم ضامن مهریه اش شدم و فلان مزرعه را وقف شما و فرزندانمان نمودم و این امام رضا را بر این موضوع گواه می گیرم. غلام با شنیدن این سخنان به شدت گریه کرد و گفت: سوگند به خدا و این امام والا مقام من در سجده همین امر را از امام و آقایم خواستم و اینک حاجت روا شدم. (16)

مهربان میزبانان ایرانی :

به ایران که رسیدید شور و شوق مردم را به یمن آمدنت دیدید. مردم همه کوچه های دلشان را به نور مهر و محبت چراغانی کرده بودند. بوی عطر و صفا از خانه های بی غش دلشان همه جا را عطرآگین کرده بود. آری، بالاشک شوق مسیر ورودت را آب زده بودند و بیرق های «دسته گل محمدی به شهر ما خوش آمدید» را به در و دیوار نصب کرده بودند تا آن که نگار خود را که بوی گل محمدی می داد در آغوش بگیرند. با رسیدنت به محل انتظار رائج و بوی دل انگیز صلوات بود که به مشام ملک و ملکوت می رسید و توی عزیز و دوست داشتنی قدم بر چشمان میزبانان ایرانی ات گذاستی قدمی که تا ابد کوفیان بی وفا را شرمنده مهمانان دعوت شده خود کرد. رواق منظر چشم من آشیان توست کرم نما و فرود آ که خانه خانه توست.

تواضع امام :

شخصی به قصد دیدار امام رضا (علیه السلام) مسیر طولانی ای را طی کرد. صبح زود به مقصد رسید. با خود گفت: به حمام بروم و غبار سفر از تن بشویم و پاک و مطهر به زیارت امام بروم. لحظاتی در آن جا درنگ کرد. شخصی آن جا بود. از او خواست که در شستن بدن به او کمک کند. بعضی از مردم که وارد حمام می شدند احترام عجیبی به او می نهادند و اظهار ارادت و ادب می نمودند. مرد مسافر اندک اندک امام را شناخت به سرعت کنار کشید و به شدت شرمنده شد و عذر خواهی کرد. اما امام رضا به او دلداری دادند و همچنان مشغول کار

خود شدند و فرمودند: «شما این همه راه را با پای پیاده برای زیارت ما آمدی من هم این جا منتظرت بودم!» (17)

آگاهی امام از احوال ما :

وقتی در آینه روایات می نگریم رابطه ائمه اطهار (علیه السلام) با پیروانش را بسیار صمیمی و عاشقانه می یابیم. آن بزرگواران همیشه نظر لطف و محبت به پیروان خود دارند. امام رضا (علیه السلام) این پیوند الهی را چنین بیان می فرماید: «امام مهربان دوست، امین و دل سوز امت است و همانند مادری است که عاشقانه به خردسال خود عشق می ورزد». (18)

بوی خوش استغفار :

حضرت رضا (علیه السلام) از پدران خود از حضرت علی (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: «خود را به بوی خوش استغفار و توبه معطر کنید تا بوی بد گناه شما را رسوا نکند». (19)

روی خوش :

در فرهنگ شکوهمند اسلام بر اخلاق نیکو و برخورد شایسته با مردمان سفارش شده است. امام رضا در این باره می فرمایند: «آنهايي که نمی توانند مردم را با دارايی خود راضي کنند، پس بکوشد تا با روی خوش و خوی نیکو آنان را خشنود سازند». (20)

در امان بودن از پشیمانی

راز دور ماندن از پشیمانی را در جمله ای حکیمانه این چنین می فرمایند: «تدبیر و اندیشه قبل از انجام کار شما را از پشیمانی حفظ می کند». (21)

توگل :

حضرت رضا (علیه السلام) در مورد بی نیازترین مردم می فرمایند: «کسی که بخواهد بی نیازترین مردم باشد باید به آنچه نزد خداوند است اطمینان داشته باشد». (22)

طول عمر و افزایش روزی :

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در اهمیت صله رحم می فرمایند: «کسی که بخواهد عمرش طولانی و روزی اش افزون شود، صله رحم کند». (23)

آستان قدس

ای آستان قدس تو تنها پناه من بر خاک باد پیش تو روی سیاه من
می آید از درون ضریحت شمیم عشق پیچیده در فضای حرم سوز و آه من
چشمم به چلچراغ حریم تو روشن است ای چلچراغ چشم تو خورشیدِ راه من
گلدسته ات مُنادی صوت عشق مأنوس با غروب و زوال و پگاه من
مهر از فروغ گنبد پاکت گرفته وام شمس الشموس هستی و نامت گواه من
هر صبح دم به شوق تو بیدار می شوم کافتد به بارگاه تو لختی نگاه من
ای غربت مجسم تاریخ، ای امام ای خاک پای مرقد تو بوسه گاه من (24)

باران نور

میلاذ گل به فصل بهاران خجسته باد آواز دل نواز هزاران خجسته باد
در گلشن همیشه گل افشان سرمدی رقص نسیم و جوش بهاران خجسته باد

سر زد و آسمان یقین کوکب رضا این مژده بر شکسته حصاران خجسته باد
شد جلوه گر زمشرق جان آفتاب عشق باران نور در شب یاران خجسته باد
سیراب شد کویر دل از چشمه سار نور بر دشت تشنه ریزش باران خجسته باد
بشکفته بر لبان ظفر غنچه های فجر ای میر عشق، فتح سواران خجسته باد
شب را شکست جاده شبگیر آفتاب گلبنگ نوش نوش خماران خجسته باد (25)

نصرالله مردانی

او می پذیرد

به کوی رضا جان صفا می پذیرد در این جا فروغ خدا می پذیرد
تو ای بی نوا رو به سوی رضا کن که این پادشه خوش گدا می پذیرد
به پا بوس او رو که زوار خود را سر خوان جود و عطا می پذیرد
بود رحمتش بی کران همچو دریا هم آلوده هم پارسا می پذیرد
اگر دردمندی بیا بر در او که هر درد این جا شفا می پذیرد
خدا را به او خوان و خواه آنچه خواهی که ایزد به پاسش دعا می پذیرد
امید دل من به من کن نگاهی که جان از نگاهت صفا می پذیرد
بخواه از خدا تا ببخشد گناهم که تو آنچه خواهی خدا می پذیرد (26)

محمدحسین بهجتی (شفق)

سلطان سلاطین

ای که سلطان سلاطینی و گنج فقرایی در جهان از ره الطاف معین ضعفایی
من چه گویم به مدح تو که لالست زبانم معدن حلمی و دریای کرم گنیز عطایی
کی توان وصف نمودن صفت پاک کریمت مجمع جمله صفات حسن و نعمت و ثنایی
گرچه در شهر خراسان به غریبی زده ای کوس یاور جمله غریبان و غریب الغریابی
گر بگویم تو چو شمس نبود لایق وصف زآن که روی توبه خورشید دهد نور و ضیایی (27)

مدرس صالحی

چشمه رحمت

پناهگاه همه بی پناه و جا این جاست مطاف و قبله گه هر شه و گدا این جاست
اگر دواى غم و درد و ناخوشی خواهی به آستان رضا سر بنه دوا این جاست
اگر تمام طبیبان تو را جواب کنند مدار باک و مخور غم ترا شفا این جاست
اگر که چشمه آب حیات می خواهی مرو به راه غلط چشمه بقا این جاست
اگر که بخشش و آمرزش گنه خواهی بیا امام رئوف حضرت رضا این جاست
به زهد و علم بود چو علی ولی الله بیا ولی خداپور مرتضی این جاست (28)
محمود والانژاد

پی نوشت ها :

1. علامه مجلسی، زندگی چهارده معصوم، صص 928 - 929 (اقتباس).
2. ر.ک: علامه مجلسی، پیشین، ص. 927
3. مهدی پیشوایی. سیره پیشوایان، قم، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (علیه السلام)، 1378 ه ش، ص. 468
4. ر.ک: سیره پیشوایان، ص. 468 (با کمی تغییر).
5. همان، ص. 472
6. ر.ک: سیره پیشوایان، ص. 476 (با کمی تغییر).
7. محسن قرائتی، در رواق نور، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ص. 5
8. محمد محمدی استهاردی. داستان دوستان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، 1373، ج. 4، ص. 207
9. محسن قرائتی، در رواق نور، ص. 25 (با کمی تغییر).
10. سرچشمه های نور امام رضا (علیه السلام)، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1368، ص. 92
11. بحارالانوار، ج. 74، ص. 333
12. حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص. 508 انتشارات اسوه (وابسته به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه)، با کمی تغییر.
13. در رواق نور، صص 16 - 19 (با کمی تغییر).
14. سید محمود حسینی قزوینی، در حریم طوس، قم، انتشارات حاذق، 1416، ص. 234
15. در حریم طوس، ص. 206
16. داستان دوستان، ج. 3، ص. 249
17. در رواق نور، ص. 27 (با کمی تغییر).
18. حسینی قزوینی سید محمد، در حریم طوس، ص. 247 (با کمی تغییر).
19. حاج شیخ حسن کافی، امام رضا (علیه السلام) اسوه صراط مستقیم، شرکت انتشارات میقات، ص. 383
20. حسین حائری، هشتاد و هشت کلام امام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، چاپ و انتشارات

آستان قدس رضوی، ص.43

21. همان، ص.64

22. همان، ص.30

23. حسین حائری، هشتاد و هشت کلام امام حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، چاپ و انتشارات

آستان قدس رضوی، ص.32

24. محمد مطهر، گلازه، قم، نشر الهادی، بهمن 69، ج2، ص.201

25. احمد احمدی بیرجندی و سید علی تقوی زاده مدایح رضوی در شعر فارسی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان

قدس رضوی، ص.255

26. همان، ص.250

27. احمد احمدی بیرجندی و سید علی تقوی زاده مدایح رضوی در شعر فارسی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان

قدس رضوی، ص.227

28. همان، ص.226.

منبع : مجله گلبرگ ، دی 1381، شماره 37